

سخنی کوتاه در مورد آئین بهاء

مؤلف:

سایت عقیده

سخنی کوتاه در مورد آئین بهاء	عنوان کتاب:
سایت عقیده	نویسنده:
فرق شیعه (اسماعیلیه، نصیریه، شیخیه، بابیت و بهائیت و...)	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
آبان (عقب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری	تاریخ انتشار:
www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۱
- نگاهی کوتاه به تاریخ بهائیت ۳
- بعضی از عقائد بهائیت ۶
- بهائیت در میزان اسلام ۹
- رای انجمن فتوای جامع الازهر در مورد بهائی ۱۵
- فهرست منابع و مراجع ۱۶

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على عبده ورسوله محمد وعلى آله وصحبه والتابعين وبعد ...

در سرزمین اسلامی فرقه‌ها و مذاهب زیادی به وجود آمدند که در ابتدا ادعای اسلام نموده و سپس از آن خارج می‌شدند و اعلان دین جدیدی را می‌کردند، این فتنه‌ها از همان قرن اول گریبانگیر مسلمانان شد و تا به امروز نیز ادامه داشته، و همچنان جنگ بین حق و باطل ادامه دارد، اما هیچ کدام از این فرقه‌ها یارای بقا و مقاومت در برابر اسلام حقیقی که همان قرآن و راه و روش پیامبر ﷺ می‌باشد را ندارند: ﴿فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ﴾ [الرعد: ۱۷]. «کف روی آب به هدر می‌رود اما آنچه برای مردم مفید است (خود آب) در زمین باقی می‌ماند».

اما هرگاه فتنه‌ای خاموش می‌شود، فتنه دیگری جای آن را می‌گیرد. دشمنان اسلام جنگ فکری را زمانی آغاز نمودند که از رویارویی مسلحانه عاجز ماندند، اسلام در جنگ با کفار قریش به پیروزی رسید، و بر دشمنان خود در سایر جزیره العرب غالب شد، و در قلمرو خود پا به خارج از جزیره العرب نهاد، و بالاخره ایران و روم دوا بر قدرت آن زمان را مغلوب خود ساخت. «اسلام دیگر به عنوان ابر قدرت جهانی شناخته شده بود، و

دشمنان جرات رویارویی در میدان جنگ را با آن نداشتند، این بود که به فکر چاره افتادند و افکاری منحرف و مهلکی را به بعضی از فریب‌خوردگان مسلمان تزریق نمودند» و فرقه‌هائی همانند خوارج، معتزله، صوفی، قادیانی، ... و اخیراً در سال ۱۲۲۳ هـ ش زیر نظر روس و با تأیید صهیونیست و انگلیس فرقه بهائیت نشأت گرفت، و دشمنان اسلام با «سلاح بهائیت شانس خود را دگربار در جنگ با اسلام آزمودند».

نگاهی کوتاه به تاریخ بهائیت

«اصل فرقه بهائیت را شخصی به نام میرزا علی محمد شیرازی ملقب به باب تأسیس نمود، وی در شیراز می‌زیست، و در سال ۱۲۲۳ هـ ش هنگامی که ۲۵ ساله بود، خود را امام مهدی قلمداد نمود و ادعا نمود که ظهور کرده است، فکر مهدویت از زمانی در ذهن وی رسوخ کرد که در سن ۱۷ سالگی در بو شهر شریک دائی خود در تجارت شد، در این موقع یکی از شاگردان رشتی^(۱) به نام سید جواد طباطبائی کربلائی با وی تماس گرفت، و تعلیم شیخیه را در ذهن وی رسوخ داد، طباطبائی به وی چنین تلقین می‌کرد که وی (میرزا علی محمد) خصوصیات مهدی را داراست، این حرف در دل وی تأثیر به سزائی نهاد و فکرش را بدان مشغول نمود، و چنین فکر می‌کرد که اگر ادعای مهدی بودن را نماید مقام والائی را کسب خواهد کرد». این بود که در کنار تجارت به چیزی از فراگیری تعلیم دین و ریاضت‌کشی مشغول شد، چون میرزا به اعمال غیر عادی، همچون ایستادن در آفتاب سوزان بدون لباس و عزلت و خلوت و... مشغول بود، دائیش از حال وی به ترس

۱- رشتی یکی از شاگردان احمد احسائی است که مذهب وی به شیخی معروف است، آن‌ها عقیده دارند که حشر انسان به روح است نه به جسم، و عقیده دارند که امام دوازدهم (مهدی) از دنیا رفته اما روح وی به ملأ اعلی پیوسته و دوباره در قالب شخص جدیدی متولد خواهد شد.

آمد و او را به کربلا فرستاد». و یکی از شاگردان کاظم رشتی گردید، کاظم رشتی در درس‌هایش دائماً به قرب ظهور مهدی تاکید می‌نمود، و احیاناً او را وصف کرده و ادعا می‌کرد که مهدی هم اکنون در میان ماست، این بود که بعد از مرگ رشتی، میرزا علی محمد خود را نایب و مقدمه‌ای برای ظهور مهدی خواند و به باب (دروازه) معروف گشت و مذهب وی به نام بابی شناخته شد. «با این ادعا که وی نایب مهدیست و نور علم امام به وی عطا شده، اشخاصی دور وی گرد آمدند و چشم و گوش بسته از وی اطاعت می‌کردند، بعد از آن میرزا علی محمد پا فراتر نهاد و ادعای نایب الامام بودن را کنار گذاشته و خود را شخصاً مهدی معرفی کرد، و ادعا نمود که خدا در وی حل شده و وی راهیست برای ظهور موسی و عیسی». چون روحانیون متوجه گزافه‌گویی‌های وی شدند بر ضد وی قیام کردند و بعضی از سران حکومت، مجلس بحث دایر نمودند تا روحانیون با آنان بحث و گفتگو نمایند که در نتیجه بعضی از روحانیون فتوای کفر آنان را صادر نمودند و بعضی دیگر آنان را دیوانه و کم‌عقل خواندند. میرزا علی محمد در شیراز و اصفهان بازداشت شد، سپس حکومت ایران در زمان ناصر الدین شاه وی را به تبریز فرا خواند که منجر به درگیری خونینی بین طرفداران میرزا و مردم گشت، و سرانجام دولت او را در سال ۱۲۲۸ هـ ش به دار آویخت، بعد از به دار آویخته‌شدن میرزا علی معروف به باب، بابی‌ها نقشه ترور ناصرالدین شاه را در سر گرفتند که دو نفر از آن‌ها به شاه حمله‌ور شدند اما به شکست انجامید، این بود که دولت خطر آن‌ها را درک کرده بود و آنان را تارومار ساخت و دو تن از شاگردان و مریدان باب به نام‌های صبح ازل و میرزا حسین علی (بهاء الله) تبعید گشتند که صبح ازل قبرص و بهاء الله عکه در فلسطین را مقر فعالیت خود قرار دادند، لذا مذهب به نام وی مشهور گشت، و پیروان صبح ازل را بابیه نامیدند، اساس اختلاف این دو نفر بر این مبنی

بود که صبح ازل می‌خواست بابیه بر همان اساسی که میرزا علی بنا نهاده بود استمرار یابد، «اما بهاء پا فراتر نهاد و مقام میرزا علی را به خود نسبت داد و ظهور میرزا علی را مقدمه‌ای برای ظهور خود ادعا کرد، و ادعا نمود که خدا در وی حل شده است». بهاء در عکس به نگاشتن مذهب شرکاگین خود پرداخت، در نگارش خود با قرآن مخالفت نمود و ادعا کرد که هرچه در کتابش به نام (کتاب اقدس) درج شده همه‌اش وحی است، و آن چیزی که وی به سوی آن دعوت می‌کند از اسلام نیست، بلکه دینی است جدید غیر از اسلام، این همان نقطه جدائی بین بابی و بهائیت است، زیرا که باب (میرزا علی) ادعا می‌کرد که آمده تا اسلام را تجدید نماید، اما بهاء صریحاً اعلان دین جدیدی را نمود، و برخلاف میرزا علی و صبح ازل اسلام را از سخنان پلید خود پاک ساخت.

بهاء کتاب‌های خود را در مشرق و مغرب زمین منتشر ساخت، و نوشته‌های خود را همانند اجزای قرآن سوره می‌نامید، وی در رساله‌های خود ادعای علم غیب و حلول خدا را در خود می‌نمود، یعنی این که خدا در وی حل شده است، بهاء فردی بود مکار، لذا وی دو سال را در صحرا گذراند و ادعا می‌کرد که برگشت او با وحی الهی صورت خواهد پذیرفت. «بهاء می‌گفت: ظهور موسی و عیسی و محمد بشارتی برای ظهور ویست». و همچنانکه اسلام ادیان ما قبلس را نسخ کرده، بهائیت نیز اسلام را منسوخ و لغو نموده است. «بهاء همچنین خود را به صفات خدا متصف کرد، و این که او مصدر افعال خداوند بوده و مقصود از رب العالمین خود او است.

بعضی از عقائد بهائیت

مذهب بهائیت دارای اموری عقیدتی و عملیست، از جمله عقاید و افکار آن‌ها به شرح زیر است:

۱- «قیامت و آخرت را انکار می‌کنند» و می‌گویند: از جمله چیزهای مبهم و غیر معقول از همان روزهای پیدایش دنیا، مسئله حشر و نشر است، آن‌ها کسانی را که در امور آخرت قرآن را تصدیق کنند محکوم به جهل و کفر می‌نمایند.

۲- «بهائی‌ها میرزا حسین علی (بهاء) را معبود خود می‌دانند و به سوی قبر او نماز می‌خوانند و حج می‌کنند». میرزا در کتاب اقدس خود می‌گوید: «کسی که قصد من کند قصد معبود را کرده است».

۳- بهاء در کتاب خود می‌گوید: ملائکه یعنی خاطره خوب، و شیطان یعنی خاطره بد.

۴- قبله‌گاه و زیارتگاه آنان همچون مسلمانان کعبه و مکه نیست، بلکه به سوی اقامتگاه بهاء عبادت و حج می‌کنند.

۵- بهاء همه قوانین اسلامی از حلال و حرام و احکام معاملات را ملغی دانست و حکم عقل را جایگزین شریعت اسلام نمود، این بیچاره اگر حق را درک کرده بود، درمی‌یافت که قوانین اسلامی مخالف عقل نیست و عدم قبول عقل وی نسبت به بعضی از قوانین اسلامی

دلالت بر نقص قوانین اسلامی نمی‌دهد، بلکه دلالت بر نقص عقل خود وی می‌باشد، زیرا که شریعت اسلام با عقل کامل و سالم تعارضی ندارد.

۶- «جهاد را لغو نمود». بهاء می‌گوید: اولین بشارتی که به مناسبت ظهور خود به عالمینان می‌دهم محو جهاد است. این سخن را چندین بار در کتاب خود با تاکید تکرار کرده است و هر بار می‌گوید: لغو جهاد حکم ابدیست، و این همان چیز است که استعمار شب و روز در تحقق آن می‌کوشد و این چنین بهائیت ثابت می‌کند که زاده و پرورده استعمار صلیبی و صهیونیست است.

۷- بهاء همانند یهود ربا را بر پیروان خود حلال نمود و زمانی که یهودیئی در مورد ربا از میرزا سوال کرد، در حالی که یهودی قبلاً می‌دانست - میرزا چه جواب خواهد داد، میرزا گفت: این اعلان از چندین سال قبل از ملکوت رحمن صادر شده خداوند می‌فرماید: (که منظورش از خداوند خود اوست)، «برای احسان به مردم ربا را مانند سایر معاملات رایج بین آن‌ها گردانیدم و قلم برداشته شد». یعنی این حکم تغییرناپذیر است.

۸- «نزد بهائیا همه چیز پاک و طاهر است و نجاستی وجود ندارد». بهاء در کتاب اقدس خود می‌گوید: «هنگامی که با اسم‌های خوب و صفات بلند خود به همه چیز در این جهان نظر انداختیم هر چیز در دریای طهارت غوطه‌ور شد».

آنچه گذشت خلاصه بعضی از عقائد بهائیت بود که به نظر می‌رسد تا این مقدار جهت شناخت آن مذهب در این بحث کوتاه کافی باشد، و چون هدف استفاده همه طبقات مردم از این بحث می‌باشد، لذا به ذکر بعضی از عقائد

آن‌ها اکتفا نمودیم و از بیان جوانب عملی آن چشم پوشیدیم تا برای خوانندگان خسته‌کننده نباشد^(۱).

۱- در مذهب بهائی هر زن و مردی در صورت توافق می‌توانند عمل زناشویی را نسبت به یکدیگر انجام دهند، آن‌ها همچنین حجاب را برای زن حرام می‌دانند.

بهائیت در میزان اسلام

در قوانین اسلامی کسی که حکمی یا عقیده‌ای و یا مطلبی را که درستی و صحت آن در دین اسلام به وضوح ثابت شده باشد و در اثبات آن احتیاج به بحث و نظر نباشد را رد و انکار نماید کافر شناخته می‌شود. در موضوعی که گذشت بعضی از عقائد بهائیت بیان شد، حال بیائید آنچه گذشت را در میزان اسلام و قانونی که ذکر شد قرار دهیم سپس در مورد آن‌ها اظهار نظر نمائیم.

۱- یکی از عقائد بهائیت که قبلاً گذشت این بود که بهائی‌ها میرزا حسین علی (بهاء) را معبود خود می‌دانند و به سوی قبر او نماز و حج می‌کنند و خود بهاء نیز به این کار تشویق نموده است، این عقیده نه تنها انکار اصل بزرگی از اصول اسلام است، بلکه رد آن اصلیت است که همه پیامبران به خاطر آن مبعوث شده‌اند، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّلُوتَ﴾ [النحل: ۳۶] «و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که عبادت خدا کنید و از بتان دوری نمائید».

خداوند در این آیه تصریح می‌فرماید که مقصد همه پیامبران این بود که مردم را به سوی عبادت خدا دعوت کنند و از طاغوت برحذر دارند، اما بهائی‌ها بهاء را که بنده خداست و فردیست مانند آن‌ها خلق شده از گل را می‌پرستند.

خداوند می‌فرماید: ﴿أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا﴾ [الکھف: ۱۰۲]. «آیا کافران پنداشتند که پرستش آن‌ها بندگانم را به جای من موجب عقوبت من نباشد، همانا ما دوزخ را برای کافران منزلگاه قرار داده‌ایم».

و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۶]. «و عبادت نکن غیر از خدا آنچه را که سودت ندهد و ضررت نزند که اگر چنین کنی پس آنگاه از ستمکاران باشی».

۲- انکار قیامت و حشر و نشر مخالف با نص صریح قرآن و رد یکی از ارکان ایمان است چیزی که بهائیت به آن معتقد نیست، خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۶]. «و کسی که به خدا و ملائکه‌های او و کتاب‌های او و پیغمبران او و روز قیامت کفر ورزد همانا گمراه شده است، گمراهی دور».

و آیات در مورد فرارسیدن روز قیامت و کفر کسی که آن را انکار نماید زیاد است.

۳- خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [البقرة: ۳۰]. «و به یاد آر هنگامی که پروردگارت به ملائکه فرمود: همانا من گرداننده خلیفه‌ای در زمین هستم».

و می‌فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَأِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: ۱]. «سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و]

فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام‌آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می‌افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. «از آیات مذکور برمی‌آید که موجودی به نام ملائکه وجود دارد، و منظور از ملائکه چنانکه بهائی‌ها آن را تفسیر می‌کنند عبارت از خاطره‌های خوب نیست و ایمان به آن‌ها یکی از ارکان ایمان است.

۴- به نص صریح قرآن قبله کعبه است نه قبر و اقامتگاه بهاء، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ﴾ [البقرة: ۱۵۰]. «و از هر جا که بیرون رفتی روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان و هر جا که باشی پس روی خود را متوجه آن کن تا برای مردم حجتی نماند».

۵- خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبْوَا لَا يَتُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبْوَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبْوَا﴾ [البقرة: ۲۷۵]. «کسانی که سود می‌خورند از قبرشان برنخیزند مگر همانند کسی که شیطان او را در اثر تماس دیوانه ساخت، این به علت آنست که سودخواران گفتند: همانا فروش مانند سود است و خداوند فروش را حلال ساخت و سود را حرام نمود».

و می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَعْتِدُّنَا الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾ [۱۱] ﴿إِنَّمَا يَسْتَعْتِدُّنَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَرْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾ [التوبة: ۴۴-۴۵]. «کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جانشان از تو عذر و اجازه نمی‌خواهند، و خدا به [حال] تقواییشان داناست.

(۴۴) تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دلپایشان به شك افتاده و در شك خود سرگردانند.»

آیه ۲۷۵ از سوره بقره صریحاً ربا را تحریم می‌نماید، همچنین آیه‌های ۴۴-۴۵ از سوره مبارکه توبه به وضوح دلالت بر وجوب جهاد می‌دهد، اما بهاء به نفع استعمار و جهت موافقت با یهود ربا را حلال و جهاد را لغو می‌نماید.

بنا به آنچه گذشت، تردید در کفر آگین‌بودن مذهب بهائی و کافر بودن پیروان آن نیست، زیرا همانگونه که ذکر شد کسی که یک عقیده یا حکم و یا مطلبی که درستی و صحت آن در دین اسلام به وضوح ثابت شده باشد را رد نماید کافر شناخته می‌شود چه رسد که آن‌ها تمامی ارکان اسلام را مردود می‌دانند.

چون حکم به کفر آن‌ها نمودیم پس مقررات زیر در مورد آنان اعمال می‌گردد:

۱- دوری از ازدواج با هریک از زن و یا مرد آنان، زیرا که ازدواج با کافران حرام است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجَبَكُمْ﴾ [البقرة: ۲۲۱]. «با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد.»

۲- تحریم خوردن ذبیحه آنان، زیرا که از شروط ذبح‌کننده آن است که مسلمان و یا از اهل کتاب (یهودی و یا نصرانی) باشد، اما بهائی نه مسلمان است و نه از جمله اهل کتاب.

۳- ورود آنان به مکه حرام است، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ [التوبة: ۲۸]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جز این نیست که مشرکان پلیدند، پس باید که بعد از این سال به مسجد الحرام نزدیک نشوند».

۴- آغاز به سلام نسبت به آنان جائز نیست، زیرا که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا تَبْدَعُوا الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَى بِالسَّلَامِ» «بر یهود و نصاری آغاز به سلام نکنید» و با مشرکین که بهائی‌ها نیز از جمله آنانند در مورد سلام مانند یهود و نصاری رفتار می‌شود، اما اگر آن‌ها شروع به سلام کردند جواب سلام آنان گفتن واجب است.

۵- نماز خواندن بر آن‌ها و همچنین دعای مغفرت نسبت به آنان حرام است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ ۗ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَمَاتُوا وَهُمْ فَسِقُونَ﴾ [التوبة: ۸۴]. «و هرگز بر هیچ یک از آن‌ها که بمیرد نماز مخوان و بر قبر وی مایست، همانا که ایشان به خدا و رسولش کفر ورزیدند و آن‌ها در حال فسق مردند».

و می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳-۱۱۴]. «شایسته نبود که پیامبر و مؤمنان برای مشرکان آمرزش بخواهند، گرچه آن‌ها دارای خویشاوندی باشند، بعد از آن که برایشان روشن شد که آن‌ها از اهل دوزخند و استغفار ابراهیم

برای پدرش جز به خاطر وعده‌ای که به او داده بود نبود، و چون برایش روشن شد که او دشمن خداست از او بیزارى جست، حقاً که ابراهیم بسیار تضرع‌کننده و شکيبا بود.»

۶- دفن آنها در مقبره مسلمانان جائز نیست، زیرا که از زمان رسول الله ﷺ تا به امروز قبرستان مسلمانان جدا از قبرستان کفار بوده است، و امکان دارد که مؤمن از عذاب اطرافیان‌ش متأذی شود.

رای انجمن فتوای جامع الازهر در مورد بهائی

- انجمن فتوای الازهر در مورد این سؤال که آیا بهائی از مسلمان ارث می برد یا نه چنین پاسخ داد:

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين، سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. اما بعد: -

انجمن سؤال و شرح پیوست آن، در مورد عقائد مذهب بهائی توسط سوال کننده را دریافت نمود.

و بدین وسیله اعلام می کنیم که بهائیت مذهبی است باطل، و نه تنها از اسلام نیست، بلکه در دائره یهودیت و یا نصرانیت نیز نمی گنجد، و در صورتی که مسلمانی پیرو آن شود از اسلام خارج و مرتد شناخته می شود، زیرا که این مذهب دارای عقائد ضد اسلامی است که اسلام خود را از آن بری می داند، از جمله این عقائد ادعای پیغمبری نمودن بعضی از رهبران این مذهب و کافر دانستن مخالفین بهائی و ادعای این که آن مذهب همه ادیان را لغو نموده است و... دیگر عقائد می باشد و معلوم است که شرعاً مرتد نه از مسلمان ارث می برد و نه از غیر مسلمان، بر این اساس کسی که بهائی شود به هیچ وجه از دیگری ارث نمی برد و این چنین جواب سوال روشن گردید^(۱). والله أعلم.

۱- به کتاب، البهائية صليبية الغرس... إسرائيلية التوجيه تأليف محمد ثابت الشاذلي، صفحه ۱۲۶ مراجعه شود.

فهرست منابع و مراجع

- ١- البابية والبهائية تاريخ ووثائق، تأليف: د. عبدالمنعم أحمد النمر، القاهرة.
- ٢- البابية والبهائية وأهدافها في دعوى النبوة والرد عليهما، تأليف- أحمد بن حجر آل بوطامى البنغلى.
- ٣- البهائية تاريخها وأهدافها، تأليف: عبدالرحمن الوكيل، جده- چاپ دوم- ١٤٠٧ هـ ق.
- ٤- البهائية صليبية الغرس... إسرائيلية التوجيه، تأليف: محمود ثابت الشاذلى، القاهرة، چاپ اول ١٤١٠ هـ ق - ١٩٩٠ م.
- ٥- تاريخ المذاهب الإسلامى، تأليف: محمد أبوزهرة، مركز پخش دارالكفر العربى.
- ٦- الموسوعة الميسرة في الأديان والمذاهب المعاصرة، از انتشارات الندوة العالمية للشباب الإسلامى، الرياض- ١٤٠٩ هـ ق = ١٩٨٩ م.
- ٧- حكم تارك الصلاة، تأليف: محمد بن صالح العثيمين ، الرياض - ١٤١١ هـ ق-.